

اثر آزادسازی تجاری بر بخش کشاورزی ایران

تاریخ پذیرش: ۸۶/۸/۲۸

تاریخ دریافت: ۸۶/۲/۹

عبدالکریم اسماعیلی و داریوش رحمتی*

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی اثر جهانی شدن اقتصاد بر ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی می‌باشد. به منظور دستیابی به هدف بالا از شاخص‌های متداول بیانگر جهانی شدن شامل شاخص ادغام تجاری (IIT)، شاخص سطح تجارت جهانی (LIT) و همچنین، شاخص نسبت صادرات به ارزش افزوده (EXG) استفاده شد. دوره‌ی مورد بررسی سال‌های (۱۳۶۰-۱۳۸۳) بوده است. لازم به ذکر است با توجه به نتایج پایایی متغیرهای این پژوهش، از رهیافت اقتصادسنجی حداقل مربعات معمولی OLS استفاده شد. نتایج نشان داد که اقتصاد کشاورزی ایران در بر هم کنش مثبت با اقتصاد جهانی است زیرا ضرایب همه‌ی شاخص‌های یاد شده مثبت و شاخص‌های IIT و XG از لحاظ آماری معنی‌دار بوده اند. این امر نشان دهنده‌ی هم سو بودن این بخش از اقتصاد ایران با آزادسازی تجاری و اثرپذیری مثبت آن از این فرآیند جهانی است.

واژه های کلیدی: جهانی شدن، بخش کشاورزی، آزادسازی تجاری، ارزش افزوده.

* به ترتیب استادیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز
e-mail: esmaeili@shirazu.ac.ir

پیشگفتار

در سمپوزیم جهانی شدن اقتصاد، آزادسازی و جهانی شدن اقتصاد معادل رشد تجارت، رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش شرکت‌های چندملیتی در بازرگانی جهانی تعریف شده است (آرنت، ۱۹۹۷). باور بر این است که آزادسازی تجاری از کانال‌های یاد شده منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌شود (صفاری، ۱۳۸۴). با این حال، پاره‌ای از مطالعات بر این باورند که با وجود شرایط یکسان از نظر آزادسازی، تفاوت در رشد اقتصادی و سطح تجارت میان کشورها بیشتر به دلیل تفاوت در میزان حضور عامل‌های دیگر چون سیاست‌های حمایتی (جبرانی و مکمل) به منظور کاهش اثرهای منفی آزاد سازی در کنار آزادسازی بوده است (وینترز، ۲۰۰۴).

به منظور اندازه‌گیری جهانی شدن و چگونگی تاثیر آنها بر متغیرهای کلان اقتصادی شاخص‌های جهانی شدن به صورت‌های گوناگونی تعریف شده‌اند. باور بر این است که شاخص‌های آزادی تجاری می‌تواند به گونه‌ی مستقیم از نرخ‌های تعرفه استخراج شده و یا از آمار مربوط به متغیرهایی که به گونه‌ای در ارتباط با آزادی تجاری هستند به دست آید (اشراقی و سلامی، ۱۳۷۹) این‌گونه شاخص‌ها در حوزه‌ی شاخص‌های غیرمستقیم آزادی تجاری قرار می‌گیرند. در مطالعات مرتبط با یکپارچگی تجاری که گرت (۱۹۹۵ و ۱۹۹۸) و رودریک (۱۹۹۸) نقل از نوری و یزدانی (۱۳۷۹) انجام داده‌اند این شاخص به صورت مجموع صادرات و واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی مدنظر بوده است. در بررسی یکپارچگی بازار سرمایه نیز شاخص‌هایی نظیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (استقراض از بازارهای بین‌المللی، قدرمطلق نرمال شده تفاوت بین پس‌انداز و سرمایه‌گذاری) و درجه‌ی آزادسازی بازار سرمایه به عنوان شاخص جهانی شدن معرفی شده‌اند (پیرایه، ۱۳۸۳). شاخص دیگر، نرخ نفوذ واردات است که می‌تواند از دو راه نسبت واردات به تولید ناخالص داخلی و یا نسبت واردات به کل مصرف محاسبه شود (آندریاماناچارا، ۱۹۹۳). شاخص دیگر مقایسه قیمت‌های داخلی و قیمت‌های مرزی کالاها می‌شود که این شاخص نسبت به شاخص‌های دیگر از جهت این که مجموعه‌ای از عامل‌ها و موانع را در برمی‌گیرد ارجح بوده و در مذاکرات دور اروگوئه این شاخص مورد توجه قرار گرفته است. البته، به دلیل گستردگی نیاز به آمار و اطلاعات زیاد، این شاخص کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. شاخص دیگر نرخ مبادله ارز در بازار سیاه است که افزایش آن نشان‌دهنده‌ی شدت محدودیت‌های تجاری

است و شاخص دیگر نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلی است. یکی دیگر از این شاخص‌ها، شاخص سطح تجارت جهانی است. این شاخص وسعت ارتباط جهان را برای یک بخش خاص نشان می‌دهد. شاخص دیگر شاخص ادغام تجارت جهان است این شاخص همان شاخص گروبل و لوید (۱۹۷۵) است که ادغام جهانی یک بخش را اندازه‌گیری می‌کند (پیرایه، ۱۳۸۳).

با توجه به تقاضای ایران برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، بررسی اثرهای آزادسازی اقتصادی بر بخش‌های گوناگون اقتصادی و از جمله بخش کشاورزی ضرورت دارد. از مطالعات مهمی که در داخل و خارج با استفاده از شاخص‌های آزادسازی انجام شده، می‌توان به نوری و یزدانی (۱۳۷۹)، سلامی (۱۳۷۹)، پیرایه (۱۳۸۳)، اشراقی و سلامی (۱۳۷۹)، ویتترز (۲۰۰۴) و گرینوی و همکاران (۲۰۰۲) اشاره کرد که در بیشتر آنها اثر مثبت جهانی شدن بر متغیرهای کلان اقتصادی دیده شده است. در این مقاله، اثرهای آزادسازی تجاری بر بخش کشاورزی با استفاده از داده‌های (۱۳۸۳-۱۳۶۰) مورد بررسی قرار گرفته است.

روش پژوهش

به منظور بررسی آزاد سازی سه شاخص مورد استفاده قرار گرفت. این پژوهش که سطح تغییرات ارزش افزوده بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گرفته، مدل به کار گرفته شده بر اساس تابع تولید بالاسا (۱۹۷۸)، فدر (۱۹۸۳) و رام (۱۹۸۷) انتخاب شده است. این مدل نیز بر مبنای مدل خان ورینهارت (۱۹۹۰) بوده که در آن تغییر تکنیکی در نظر گرفته شده است. چون در اقتصاد ایران مازاد نیروی کار در بیشتر بخش‌ها وجود دارد، ارزش افزوده بر نیروی کار تقسیم شده تا امکان استفاده از مدل یادشده مهیا شود (خلیلیان و اردستانی، ۱۳۷۹). حالت کلی مدل مورد بحث به شکل زیر است:

$$Y = f(K, L, Z)$$

که در آن Y تولید کل، K موجودی سرمایه، L نیروی کار و Z دیگر عوامل موثر بر رشد است. فرهادی و مقدسی (۱۳۸۲) با اضافه کردن متغیر بی‌ثباتی ارزش صادرات به تابع یادشده و همچنین صمدی (۱۳۸۱)، و خلیلیان و اردستانی (۱۳۷۹)، با تغییراتی از مدل مورد اشاره استفاده نمودند. اوناووارا و همکاران (۱۹۹۸) با افزودن متغیر موهومی TP که نماینده‌ی سیاست تجاری برای کشورهای گوناگون بود از تابع یادشده استفاده کردند که $TP=1$ نشان

دهنده‌ی کشور خیلی باز از نظر تجارت، $TP=0$ برای کشور در حد وسط و $TP=-1$ نشان دهنده‌ی کشور بسته است. در این مطالعه با تقسیم ارزش افزوده به شمار نیروی کار فعال و افزودن شاخص‌های آزادسازی تجاری، از رابطه‌ی زیر استفاده شد.

$$\frac{Y}{L} = \beta_0 + \beta_1 MC + \beta_3 (EXG, LIT, IIT)$$

که در آن $\frac{Y}{L}$ نسبت ارزش افزوده به نیروی کار (به قیمت ثابت سال ۶۱)، MC موجودی سرمایه و متغیرهای داخل پرانتز شاخص‌های گوناگون آزاد سازی برای بخش کشاورزی می‌باشند که درباره‌ی آنها توضیح داده خواهد شد.

شاخص‌های جهانی شدن که کاربرد بیشتری دارند در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به دو گروه شاخص‌های ترکیبی و غیر ترکیبی تقسیم نمود. شاخص‌های ترکیبی متعارف مورد استفاده شامل شاخص‌های تجارت کالاها و خدمات در سطح جهانی، گسترش ارتباطات جهانی، آزادسازی اقتصادی در سطوح گوناگون نهادی، پولی و ارزی، بودجه‌ای و اعتباری، شاخص آزادسازی اقتصادی و شاخص بازبودن تجاری می‌باشد. شاخص‌های غیر ترکیبی شامل شاخص‌های شدت تجارت، شاخص لیمر و شاخص ولف می‌باشد (صفاری، ۱۳۸۴). شاخص‌هایی که بکار برده شده در این پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

۱- شاخص نسبت صادرات به ارزش افزوده بخش کشاورزی:

$$EXG = \frac{EX_t}{GDP_t} \quad (1)$$

که در آن EX_t و GDP_t به ترتیب صادرات و ارزش افزوده بخش کشاورزی در سال t می‌باشد. همان گونه که مشاهده می‌شود، شاخص نسبت صادرات به ارزش افزوده کوچکتر یعنی این که ارتباط جهانی به شکل صادرات یک جنبه مهم بخش یا صنعت مورد نظر نیست، به بیان دیگر بخش یا صنعت با توجه به تولید خود کمتر در تجارت شرکت می‌کند. لازم به ذکر است که این شاخص فقط جنبه صادراتی تجارت را مورد توجه قرار می‌دهد.

۲- شاخص سطح تجارت جهانی (LIT):

$$LIT = \frac{(IM_t + EX_t)}{(GDP_t + IM_t - EX_t)} \quad (2)$$

که در آن IM_t ، EX_t و GDP_t به ترتیب واردات، صادرات و ارزش افزوده بخش کشاورزی است. این شاخص وسعت ارتباط جهانی را برای بخش نشان می دهد اگرچه شاخص مناسبی برای بیان جهانی شدن در حوزه تجاری است، اما شرط لازم بوده و شرط کافی برای این حوزه نیست.

۳- شاخص ادغام تجاری (IIT):

$$IIT = 1 - \frac{|IM_t - EX_t|}{IM_t + EX_t} \quad (3)$$

شاخص ادغام تجاری (IIT)، همان شاخص گروبل و لوید (۱۹۷۵) است که ادغام جهانی یک بخش را اندازه گیری می کند و در حقیقت نشان دهنده ی درجه ادغام تجارت جهانی است. این شاخص بین صفر و یک می باشد که صفر نشان دهنده ی عدم وجود تجارت درون بخشی و یک بیانگر تجارت کامل درون بخشی است. شاخص IIT دارای خصوصیات ویژه ای است که از آن یک شاخص اتکاء پذیر ساخته است و برخی پژوهشگران بر این باورند که این شاخص برای فهم جهانی شدن در یک بخش بسیار مفید می باشد (نوری و یزدانی ۱۳۷۹).

برای برآورد توابع مورد بحث به دلیل استفاده از داده های سری زمانی، ابتدا لازم است ایستایی متغیرها مورد آزمون قرار گیرد. برای این منظور از آزمون نه مرحله ای ریشه ی واحد فیلیپس و پرون (PP) و دیکی فولر تعدیل شده (ADF) استفاده شد. در مرحله ی بعد آزمون شکست ساختاری در مورد متغیرهایی که در سطح ایستا نبودند، انجام شد.

داده های سری زمانی مورد نیاز در این پژوهش شامل واردات، صادرات، موجودی سرمایه، شمار شاغلان و ارزش افزوده بخش کشاورزی برای دوره (۱۳۸۳-۱۳۶۰) است که از منابع گوناگونی از جمله ترازنامه بانک مرکزی ایران، مرکز آمار ایران و داده های PDS بدست آمد.

موجودی سرمایه بخش کشاورزی از داده های PDS استخراج شد نرم افزارهای مورد استفاده در این پژوهش Micro fit ۴,۱ و Eviews ۳,۱ بودند.

نتایج و بحث

ابتدا ایستایی متغیرها مورد ارزیابی قرار گرفت. از میان متغیرهای مورد استفاده در تصریح الگوی بخش کشاورزی سه شاخص سطح و ادغام تجارت جهانی، و نسبت صادرات بخش کشاورزی به تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی در سطح اطمینان ۹۹ درصد، نسبت ارزش افزوده بخش کشاورزی به نیروی کار در بخش کشاورزی در سطح اطمینان ۹۵ درصد و سایر متغیرها در سطح اطمینان ۹۰ درصد رفتار پایایی نشان می‌دهند. با توجه به اهمیت بکارگیری متغیرها در شکل غیرتفاضلی سطح اطمینان ۹۰ درصد برای استفاده از متغیرها انتخاب شد. نتایج بدست آمده از آزمون ایستایی در جدول (۱) قابل مشاهده است.

جدول (۱) نتایج ایستایی متغیرها برای داده های بخش کشاورزی

متغیر	توضیحات	آماره آزمون ریشه واحد، دیکی فولر تعمیم یافته	مقادیر بحرانی		
GDPL	بدون وقفه	-۳/۸۶	-۴/۴۱***	-۳/۶۲**	-۳/۲۴*
MC	بدون روند و عرض از مبدا	-۱/۸۸	-۲/۶۷***	-۱/۹۵**	-۱/۶۲*
IIT	بدون وقفه	-۳/۲۴۷۵	-۴/۴۱***	-۳/۶۲**	-۳/۲۴*
متغیر	توضیحات	آماره پرون برای شکست ساختاری	مقادیر بحرانی برای تغییر ساختاری در شیب و عرض از مبدا و هر دو در تابع روند		
EXG	شکست ساختاری برای سال ۷۲	-۶/۹۳	-۴/۹***	-۴/۲۴**	-۳/۹۶*
LIT	شکست ساختاری برای سال ۷۲	-۸/۰۱	-۴/۳۲***	-۳/۷۶**	-۳/۴۶*

ماخذ: یافته های پژوهش ***، ** و * به ترتیب معنی داری در سطح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪.

نتایج آزمون ایستایی برای متغیرها نشان می‌دهد که می‌توان از رهیافت حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده نمود.

نتایج بدست آمده از برآورد تصریح‌های متفاوت الگوی بخش کشاورزی که در آنها از شاخص‌های گوناگون استفاده شده در جدول (۲) آمده است. ضرایب با تئوری و آن چه انتظار می‌رفته، سازگارند. موجودی سرمایه اثر مثبت و معنی داری بر سطح سرانه ارزش افزوده ی

بخش کشاورزی دارد. متغیر جنگ که نشان دهنده‌ی سال های جنگ است با علامت منفی ظاهر شده که معنی دار بوده و نشان می‌دهد که در آن سال ها ارتباطات جهانی (تجارت جهانی) با بخش کشاورزی کم بوده است.

در تصریح نخست از شاخص LIT برای تحلیل اثر جهانی شدن بر بخش کشاورزی استفاده شده است در این تصریح تمام متغیرهای موجود در مدل با ضرایب قابل انتظار ظاهر شده‌اند، موجودی سرمایه دارای علامت مثبت و معنی دار بر سطح تولید سرانه ناخالص داخلی بخش کشاورزی است. متغیر جنگ نیز اساس آن چه انتظار می‌رفت، منفی و معنی دار است. در این میان تاکید بیشتر روی تولید داخلی بوده و تاثیر ارزش افزوده در این شاخص بیشتر نمایان است. در این جا متغیر آزاد سازی معنی دار نشده که نشان می‌دهد تجارت با دنیای خارج برای بخش کم بوده است.

نتایج بدست آمده از برآورد مدل با شاخص آزاد سازی IIT با عنوان الگوی دوم در جدول (۲) مشخص شده است. ضریب متغیر بیانگر جهانی شدن از نظر معنی داری متفاوت از نتایج شاخص قبلی بدست آمده است. در این برآورد آزاد سازی اثر مثبت و معنی داری بر تولید سرانه بخش کشاورزی داشته است. با توجه به این که شاخص اخیر نشان دهنده‌ی درجه ی ادغام تجارت جهانی درون بخش است و شاخص قابل اتکایی از نظر جهانی شدن است بدین ترتیب اگرچه شاخص قبلی معنی دار نشده، اما بر اساس این شاخص تاثیر جهانی شدن بر بخش مثبت بوده است. در این مدل ضریب متغیر جنگ منفی، ولی معنی دار نمی باشد، اما موجودی سرمایه اثری مثبت و معنی دار بر تولید سرانه داشته است. این که دو شاخص LIT و IIT به دو صورت متفاوت در مدل ظاهر شده‌اند به این دلیل است که شاخص ادغام تجارت جهانی یعنی شاخص دوم بر اساس تجارت (صادرات و واردات) بوده و تولید بخش در آن بی تاثیر است.

در الگوی بعدی اثر جهانی شدن بر تولید بخش کشاورزی با استفاده از شاخص نسبت صادرات بخش به ارزش افزوده بخش کشاورزی بررسی شده است. همان گونه که از نتایج مشاهده می‌شود، این شاخص دارای اثر مثبت و معنی دار بر تولید بخش کشاورزی می‌باشد. موجودی سرمایه نیز مانند نتایج بدست آمده از مدل های دیگر مثبت می باشد. متغیر جنگ دارای علامت منفی بوده، ولی معنی دار نمی باشد. در تمامی تصریح‌ها آماره F نیز در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنی دار بوده و آزمون LM موید عدم وجود خود همبستگی می باشد.

همچنین، به منظور بررسی تورش تصریح ناشی از حذف متغیر از آزمون ریست رمزی استفاده شد که این آزمون نیز وجود تورش تصریح ناشی حذف متغیر را رد نمود.

جدول (۲) برآورد شاخص های گوناگون آزادسازی در بخش کشاورزی

متغیر	شاخص LIT الگوی (۱)		شاخص IIT الگوی (۲)		شاخص EXG الگوی (۳)	
	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	آماره t
عرض از مبدا	$-0.79 \cdot 10^{-8}$	-0.314	$134 \cdot 10^{-6}$	0.774	$127 \cdot 10^{-6}$	0.911
موجودی سرمایه	$0.654 \cdot 10^{-8}$ ***	0.33	$0.404 \cdot 10^{-8}$ ***	3.62	$0.423 \cdot 10^{-8}$ ***	0.005
متغیر آزاد سازی تجاری	$13 \cdot 10^{-6}$	0.353	$54 \cdot 10^{-6}$ ***	3.04	$47 \cdot 10^{-6}$ ***	4.28
متغیر جنگ	$-237 \cdot 10^{-6}$ **	-2.46	$-0.783 \cdot 10^{-6}$	-1.06	$-0.847 \cdot 10^{-6}$ *	-1.07
آماره ها	F	LM	R ²	F	LM	R ²
	23/07	0/62 (0/45)	0/826	17/9	0/85 (0/72)	0/826

ماخذ: یافته های پژوهش **، *** و * به ترتیب معنی داری در سطح ۱٪، ۵٪ و ۱۰٪.

جدول (۳) شاخص های بکار گرفته شده برای بخش کشاورزی

آماره t	ضریب	شاخص آزاد سازی
0.353	0.00130	LIT (شاخص سطح تجارت بین الملل)
3.04	0.00054	IIT (شاخص ادغام تجارت بین الملل)
4.28	0.00047	EXG (شاخص نسبت صادرات به GDP)

ماخذ: یافته های پژوهش

در جدول (۳) هر سه شاخص استفاده شده در تحلیل های بخش کشاورزی آورده شده است. همان گونه که مشاهده می شود ضریب همگی شاخص ها مثبت است، ولی دو شاخص IIT و EXG معنی دار و شاخص سطح تجارت جهانی معنی دار نشده است. در این میان IIT یک معیار مناسب برای فهم جهانی شدن است زیرا IIT تابعی از عواملی است که برای جهانی شدن شناسایی شده اند و مطالعات گذشته نیز بیانگر این موضوع است (نوری و یزدانی ۱۳۷۹). ضریب شاخص IIT در بلند مدت نزدیک به ۰/۰۰۰۵۴ بوده و به معنای آن است که یک درصد افزایش در شاخص ادغام تجارت جهانی موجب افزایش ارزش افزوده سرانه بخش

کشاورزی به میزان ۰/۰۰۰۵۴ می‌شود. ضریب شاخص نسبت صادرات به ارزش افزوده نیز در همین حدود افزایش تولید سرانه بخش کشاورزی را نشان می‌دهد. روی هم رفته بخش کشاورزی ایران به لحاظ تنوعی که در تولید فرآورده های گوناگون کشاورزی دارد از پتانسیل مناسب و استعداد بالقوه ای برخوردار است. از این رو این امیدواری وجود دارد که با روند جهانی شدن اقتصاد، این بخش از پیشرفت شایان توجهی بهره مند گردد. شاخص های آزادسازی تجاری بکاررفته در این پژوهش نیز نشان می‌دهند که بخش کشاورزی ایران در مسیر فرآیند جهانی شدن و تجارت جهانی قرار گرفته و آزادسازی بیشتر تجاری بر بخش کشاورزی می‌تواند اثرهای مثبتی داشته باشد.

منابع

- اشراقی، ر.، ح. سلامی. (۱۳۷۹)، تأثیر آزادسازی تجاری بر توزیع درآمد در ایران، مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مؤسسه پژوهش های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، جلد ۱: ۹۷۰-۹۵۰.
- بانک مرکزی ایران، ترازنامه بانک مرکزی. سال‌های مختلف. تهران.
- پیرایه، م.، (۱۳۸۳)، بررسی آثار جهانی شدن بر تقاضای واردات شکر ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاست های اقتصادی، ۳۲: ۷۴-۴۷.
- خلیلیان، ص.، م. حفار اردستانی (۱۳۷۹)، بررسی رابطه صادرات کالاهای کشاورزی و رشد بخش کشاورزی در ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۳۲: ۱۰۲-۹۳.
- سلامی، ح. (۱۳۷۹)، سیاست آزادسازی تجارت محصولات کشاورزی در ایران: تحلیلی در چارچوب تعادل عمومی، مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مؤسسه پژوهش های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، جلد ۱: ۱۳۷-۸۱.
- صفاری، س.م.، (۱۳۸۴)، بررسی ارتباط میان جهانی شدن و رشد اقتصادی-تحلیل تجارت جهانی شدن چند کشور منتخب، پایان نامه دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- صمدی، ع.، ح. (۱۳۸۱)، متنوع سازی صادرات و رشد اقتصادی: اقتصاد ایران (۱۳۷۷-۱۳۴۷)، مجله برنامه و بودجه، ۴: ۷۴-۷۵.
- مرکز آمار ایران، پایگاه اطلاع‌رسانی. <http://www.sci.ir.org>.

- مقدسی، ر. ع. فرهادی. (۱۳۸۲)، مطالعه تاثیرگذاری سیاست های پولی و مالی بر بخش کشاورزی (۱۳۸۰-۱۳۵۰)، مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی اقتصاد کشاورزی
- نوری، ک.، س. یزدانی (۱۳۷۹)، جهانی شدن اقتصاد و اثرات آن بر بخش کشاورزی ایران (مطالعه موردی برنج و خرما)، مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران. دانشگاه فردوسی مشهد.
- نوفرستی، م. (۱۳۷۸). ریشه واحد و همجمعی در اقتصادسنجی. انتشارات رسا. تهران.
- Andriamananjara, S. (۱۹۹۳), Have Trade Policy Led to Openness in Developing Countries? The World Bank, International Trade Division.
- Arndt, S. W. (۱۹۹۷). Globalization and trade: A symposium. The World Economy. ۲۰: ۵.
- Balassa, B. (۱۹۷۸) Exports and economic growth: Further evidence. Journal of Development Economics, ۵: ۱۸۱-۱۸۹.
- Feder, G. (۱۹۸۳) On exports and economic growth, Journal of Development Economics, ۱۲: ۵۹-۷۴.
- Greenaway, D., W. Morgan and P. Wright (۲۰۰۲), Trade theory and measurement of international trade in differentiated liberalization and growth in developing countries, Journal of Development Economics, ۶۷: ۲۲۹-۲۴۴.
- Grubeol, H. G., P. J. Lloyd (۱۹۷۵). Intra Industry Trade: The Products, New York, John Wiley.
- Onafowora, O.A., O. Owoye. (۱۹۹۸). Can trade liberalization stimulate economic growth in Africa?. World Development, ۲۸(۳) ۴۹۷-۵۰۶.
- Pesaran, H.M. and B. Pesaran. (۱۹۹۷). Working with Microfit ۴: An Introduction to Econometrics. Oxford University Press. London.
- Ram, R. (۱۹۸۷) Exports and economic growth in developing countries: evidence from time series and cross-section data. Economic Development and Cultural Change, ۳۶: ۵۱-۷۲.
- Winters, L. A., N. Mcculloch, A. Mckay (۲۰۰۴). Trade liberalization and poverty: The Evidence So Far, Journal of Economic Literature, ۴۲-۱۱۵.